



مطهره جاویدی، مادردهه هفتادی، این روزها استارت آپ کارآفرینی برای نوجوانان و بانوان را مدیریت می کند

# نمی توانم معطل زمان بمانم

۱۲۵

شهر بانو



۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۸۱۵ | روزنامه شهرآرا

۲شنبه ۳۰ ۰۸ ۱۴۰۱

فضایی برای  
اندیشیدن و ارائه  
راهکار،

بانوان در مجمع (محیا) به نحوه و حضور  
زنان در عرصه های اجتماعی می پردازند

امنیت بانوان  
در گذر زمان



## امنیت بانوان در گذر زمان



صرفاً قوای قهری و اجبار گرفت، اجباری که اگر پشتوانه فرهنگی نداشته باشد، تضمینی هم برای اجرای آن نیست. از طرفی، نگاه به زن در طول تاریخ همواره دستخوش باورهای خرافی و غیرعقلانی بوده است تا حدی که بسیاری از اموری که زنان آن را وظیفه خود می‌دانند، از نگاه دین جزو وظایف آن‌ها نیست. با این حال، جامعه سنتی هم‌چنان در این مورد ترجیح می‌دهد به باورهای خود عمل کند زیرا تغییر آن هم از نوع زبان آورش همواره دشوار بوده است. این مسئله تنها با حمایت قاطع نهادهای قانونی و فرهنگ‌سازی از سنن پایین قابل حل شدن است. مجلس باید در امور ریز و درشت جامعه زنان نیز قوانین محکمی برای جلوگیری از سوءاستفاده تصویب کند. جامعه ایران با فرهنگ‌سازی و وضع قوانین سفت و سخت باید به این نتیجه برسد که امنیت روانی زن در همه ابعاد و حوزه‌ها، به پشتوانه محکم قانون تکیه کرده است.

کیفیت حضور زنان در جامعه، خود، اولین مرجع قضاوت خواهد بود. امنیت زنانی که حریم شخصی خود را حفظ می‌کنند و مانع جلب توجه دیگران در فضای عمومی می‌شوند، به مراتب بیش از زنانی است که با انواع پوشش‌ها در حریم شخصی، راه را بر سوءاستفاده‌کنندگان ناسالم باز می‌گذارند.

بنابراین باید گفت بیش از آنکه مفهوم ذهنی امنیت مهم باشد، احساس امنیت که محصول کاربردی آن است، زندگی را شیرین می‌کند. یادمان باشد احساس امنیت به شدت موضوعی روانی و تحت تأثیر القاءات درونی و بیرونی است. با القای نادرست افراد بدخواه و فال بد زدن و خواندن صفحه حوادث رسانه‌های زرد، احساس شیرین امنیت را از خودمان دریغ نکنیم.

«جامعه‌ای سنتی که در آن وضع قوانین و اجرا و نظارت بر آن بیش از آنکه توسط نظام‌های مدنی شهری تعیین شود توسط خرده‌نظام‌های گروهی و جغرافیایی تعیین می‌شود، در گذار از بافت فرهنگی سنتی به مدرن شاهد یک دوره تغییرات است.» این نوشتار توضیح این بند به ظاهر ساده است.

اگر در گردش روزگار مویی از سر سپید کرده‌اید، حتما تأیید می‌کنید پدیده «لوتی»‌های با معرفت محله را که با وجود شغل سنگین سر کوچه نشستن و تسبیح چرخاندن، نقش‌های خطیر و مهمی از جمله مجلس، دولت و قوه قضائیه هر محل را نیز بر عهده داشتند. برای نمونه، کافی بود غریبه‌ای از محله بگذرد و قوانین آن محل را رعایت نکند یا خدای ناکرده چشم‌چپ به ناموس آن محل بیندازد. در طرفه‌العینی لوتی محله با پشتوانه قوانین مصوب افکار عمومی محل و تأیید صلاحیت اجرای آن مصوبه‌ها از طرف همان‌ها، با برگزاری دادگاهی، متهم اصلی را بدون کمترین بخشش و مماشاتی به سزای اعمالش می‌رساند. علاوه بر این، لوتی‌های اصیل اگرچه بعضاً دستی در انواع جرایم داشتند، رعایت حریم ناموس دیگران را جزو بدیهیات می‌دانستند.

بنابراین این گونه بود که زنان محله دست کم در جغرافیای زندگی خود، خیالشان از مزاحمت‌های خیابانی آسوده بود. این نظام معرفتی و ارزشی که ناشی از باورها و اعتقادات یک جامعه بود، پس از مدتی قرار بود جای خود را به نظام عمومی و فراگیر قوانین مدنی و شهرنشینی بدهد.

حالا این قوانین شهرنشینی و مدنی چیست؟ خرده‌نظام‌های ارزشی که می‌توانست با کمی بیان امروزی، سوپاپ اطمینانی برای اجرای قوانین جدید باشد، رفته‌رفته از میان رفتند و جای آن را



## هنر گفت‌وگو، مغفول خانواده‌های ایرانی

کمتر پیش می‌آید نوجوانان درباره مشکلات خود صحبت کنند. آن‌ها ترجیح می‌دهند مسائلشان را درون خود بریزند و درک این موضوع به‌ویژه برای والدین به کاری دشوار تبدیل می‌کند. با تغییرات هورمون‌ها در دوران نوجوانی، بدن، مغز و احساسات و خلق فرد مدام تغییر می‌کند که معمولاً به شکل نوعی افراط‌گرایی احساساتی در نوجوانان خود را نشان می‌دهد.

وقتی بلوغ اتفاق می‌افتد، تغییرات رفتاری و روحی ناشی از آن می‌تواند بر رابطه نوجوان با خانواده و دوستان و حتی در تعامل با دیگر افراد در محیط‌های اجتماعی مختلف مانند مدرسه اثرگذار باشد. نوجوان به طور غریزی قصد دارد از والدین مستقل شود و هویت و موقعیت خود را در جامعه معین کند. این موضوع نه تنها یک مسئله هیجان‌انگیز برای اوست، بلکه یک زمان بسیار ترسناک و چالش‌برانگیز نیز هست. این همان زمانی است که حمایت و تشویق والدین برای عبور موفقیت‌آمیز نوجوانان به دوره بزرگسالی را ضروری می‌کند.

در این میان، دختران نوجوان نیاز به برقراری فضای گفت‌وگوی متناسب با سن خود با دیگران به‌ویژه با شخص مادر را بیشتر احساس می‌کنند اما متأسفانه هنر گفت‌وگو از کودکی در خانواده‌های ما به مسئله‌ای مغفول تبدیل شده است که شاید بتوانیم از آن با عنوان یک ناتوانی جمعی یاد کنیم. دختران امروزی نیازمند دانایی بیشتریند و از آنجایی که دسترسی عمومی به فضای مجازی و رسانه برای همگان تا حدود زیادی وجود دارد، نوجوانان و جوانان ما بیشتر دانسته‌های خود را به شکلی پالایش نشده از این مسیر دریافت می‌کنند.

نسل پیشین شاید بیشتر به کتاب خواندن بها می‌داد زیرا صبر و تحمل بیشتری را در ذات تربیتی خویش به همراه داشت. در حقیقت، دانسته‌های والدین امروزی در دوران نوجوانی خویش بیشترین از طریق کتاب‌ها به طور مستقیم تأمین می‌شد، درحالی که نسل امروز که فرزندان ما هستند حوصله کمتری برای مطالب بلند دارند. آن‌ها دانش خود را تیتروگونه از فضای مجازی دریافت می‌کنند و به سبب نبود فضای گفت‌وگو با بزرگ‌ترها، خودشان و در میان گدهای هم‌سالان به تحلیل‌ها و نتایج مختلف می‌رسند. از سوی دیگر، مادران امروز با وجود پیشرفت اجتماعی و دانش خود، به لحاظ رفتاری عموماً ناتوان از ایجاد گفت‌وگو در خانواده و فضای گفت‌وگوی متناسب با اعضای آن هستند که شاید برخاسته از فرهنگ ایرانی سینه‌به‌سینه مبنی بر احترام گذاشتن و تبعیت تام از بزرگ‌ترهای خانواده باشد.

اکنون با توجه به توسعه روزافزون امکانات ارتباطی و بروز دهکده جهانی، نمی‌توان از نوجوان اطاعت محض از والدین و بزرگ‌ترها را توقع داشت. بنابراین بهترین و مناسب‌ترین شیوه برقراری ارتباط مؤثر میان افراد هر جامعه کوچک و بزرگ و اقناع نسل حاضر، داشتن هنر گفت‌وگوست.

صحبت با دختر نوجوان درباره موضوعات مهم باید سال‌ها قبل از اینکه او به سن بلوغ برسد آغاز شود. مهم‌ترین قاعده این روش برای والدین این است که مرتب گفت‌وگوهای کوتاهی با دختر خود داشته باشند، نه اینکه با یک بسته طولانی و خسته‌کننده از نصیحت‌ها و توصیه‌ها او را دل‌زده کنند. آن‌ها باید با موضوعاتی متناسب با سن دختران از سنن کم این صحبت‌ها را آغاز کنند و با توجه به بلوغ او در موضوعات پیش بروند. هم‌چنین والدگری برای دختران نوجوان مستلزم این است که والدین بتوانند بین برقراری محدودیت و به رسمیت شناختن مسیر شخصی نوجوان به تعادل برسند.

والدین به‌ویژه مادران در جامعه‌پذیری دختران نقشی جدی دارند که شاید توجه نهادهای مربوط به آموزش مادران در این زمینه و فرهنگ‌سازی هنر گفت‌وگو در خانواده را می‌طلبد تا از این رهگذر از هدررفت انرژی نوجوانی و جوانی نسل بعدی در ابعاد اجتماعی نادرست نیز پیش‌گیری شود.



## شهربانو

۲۳ شنبه  
۳۰ آبان ۱۴۰۱  
۲۶ ربیع الثانی ۱۴۴۴  
شماره ۳۸۱۵

( ۲ )

# شعله‌ای که نور شد

مرکز مردمی «نفس» تلاش دارد تا به مادران در حفظ جنین خود کمک کند

مرکز مردمی «نفس» در روز ملی جمعیت در ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ متشکل از تیمی از متخصصان مرکز علوم پزشکی شامل پزشکان، پرستاران و ماماها و با مدیریت تکتیم زاده احمد در مشهد آغاز به کار کرد. او می‌گوید: این مجموعه با هدف جلوگیری از سقط جنین سالم فعالیتش را در سه حوزه شناسایی، فرهنگ سازی و حمایت پیش می‌برد. این مجموعه با همکاری مراکز بهداشتی و درمانی، مطب‌های متخصصان زنان و مامایی و درمانگاه‌های خصوصی و دولتی، چنانچه مادری قصد سقط فرزند سالم خود را داشته باشد کمک‌های لازم را انجام می‌دهد.

فرهنگ سازی بخش دیگر فعالیت مرکز نفس است. در این زمینه، تاکنون ده‌ها جلسه آموزشی و توجیهی در فرهنگ‌سراها و پایگاه‌های بسیج، مراکز روان‌شناسی، مساجد، هیئت‌ها و حسینیه‌ها درباره حفظ فرزند سالم برگزار شده است.

علاوه بر این، به سفارش این مرکز کتابی به قلم مینو علی‌اصغری با عنوان «شعله‌ای که نور شد» درباره داستان‌های واقعی با موضوع سقط جنین منتشر شده است. هم‌چنین با پیگیری مدیران مجموعه نفس، دوره‌های آموزشی ضمن خدمت برای ماماها و پزشکان متخصص زنان با هدف معرفی بیشتر این مجموعه و برقراری ارتباط با آن‌ها برگزار شده است.

حمایت بخش دیگر فعالیت این مجموعه است. در این بخش، بعد از مراجعه مادران به مرکز، ابتدا مسئول نجات مرکز سعی در جست‌وجوی علت و ریشه سقط جنین دارد و در ادامه، جلسات مشاوره‌ای توسط روان‌شناس برگزار می‌شود که خوشبختانه در بعضی از موارد به تغییر تصمیم مادر برای سقط جنین منجر می‌شود.

تکتیم زاده احمد می‌گوید: این حمایت‌ها کاملاً



زهرا  
زنگنه  
خبرنگار

«خورشید»

را با مادران، همسران و خانواده‌ها نیز برگزار می‌کند. در موارد بارداری در دوران عقد نیز کمک هزینه‌هایی برای تهیه جهیزیه تأمین می‌کند. این کمک‌ها و حمایت‌ها برای مادران اتباع نیز قابل دسترس است.

نفس توانسته است بعد از گذشت هفده ماه از فعالیت خود بیش از سیصد مورد نجات فرزند سالم در خراسان رضوی داشته باشد. فعالیت این مرکز منحصر به مشهد نیست و بعد از برگزاری همایش‌هایی در اسفندماه ۱۴۰۰ و خرداد ۱۴۰۱ و دعوت از بیش از چهارصد نفر از فعالان این حوزه، به راه‌اندازی شعب خود در سایر شهرستان‌ها و استان‌ها اقدام کرده است. هم‌اکنون مراکز نفس در شهرستان‌های نیشابور، درگز، کلات، بجستان، کاشمر و بردسکن و چهار استان دیگر فعال‌اند.

رایگان است و حتی در مواردی که خانواده با مشکل اقتصادی و مالی روبه‌رو باشد، بسته‌های حمایتی برای آن‌ها تهیه می‌شود. به علاوه، برای ادامه دوران بارداری، به مراکز پزشکی و آزمایشگاهی، سونوگرافی و داروخانه‌هایی که به صورت رایگان با مجموعه همکاری می‌کنند معرفی می‌شوند.

این مجموعه می‌کوشد برای دوران بعد از زایمان هم همراه مادر و خانواده باشد و آن‌ها را رها نکند. طبق آمار مرکز نفس، حدود ۳۰ درصد از مراجعان در پی مشکلات اقتصادی تصمیم به سقط جنین دارند. در رده بعدی نیز مسائل فرهنگی و اجتماعی مانند بارداری در دوران عقد، تعدد فرزند، اختلاف زوجین، مسئولیت‌پذیر نبودن شوهر و... علت اصلی این تصمیم است. لذا این مراکز در صورت لزوم جلسات مشاوره‌ای

## ازدواج آگاهانه، به‌هنگام و آسان

«ستاد ازدواج آسان» یاری برای جوانان است که توسط بانو حمیده پایرنج مدیریت می‌شود



بخش‌های فعال ستاد ازدواج آسان است که در کارگروه جهیزیه کار خود را پیش می‌برد. اعضای این کارگروه بعد از معرفی افراد نیازمند، شناسایی این افراد را انجام می‌دهند و در صورتی که واجد شرایط کمک‌رسانی باشند برای آن‌ها جهیزیه تهیه و ارسال می‌شود. علاوه بر این، زوج‌هایی که جهیزیه دریافت می‌کنند در ۱۰ جلسه آموزشی مهارت‌های زندگی هم حاضر می‌شوند. تاکنون ۲۳۲ زوج از جهیزیه‌های اهدایی این ستاد بهره‌مند شده‌اند.

یکی از اقدامات مهمی که توسط ستاد انجام شده است کمک به جوانان در

در قالب کارگروه قرض الحسنه ایجاد شده است که در ابتدای زندگی مشترک جوانان در حد بضاعت مجموعه به این افراد وام قرض الحسنه اهدا می‌کند. ایجاد بستر شغلی و کارآفرینی برای جوانان یکی دیگر از زمینه‌های فعالیت ستاد ازدواج آسان است. در این دوره، مربی‌های هنری به مجموعه دعوت می‌شوند تا با آموزش‌هایی، جوانان را در زمینه تولیدات مختلف صنایع دستی توانمند کنند و در ادامه، برای آن‌های بازار فروش کالا را مهیا کنند.

مشاوره برای زوجین کار مثبتي است که توسط مجموعه انجام می‌شود. مشاوره قبل از ازدواج آغاز می‌شود و بعد از ازدواج هم در صورت نیاز زوجین ادامه دارد. در این زمینه، کلاس‌های مشاوره به صورت فردی و گروهی با دوره‌های آیین همسرمداری و مهارت‌های زندگی برگزار می‌شود. حمیده پایرنج در انتها می‌افزاید: ستاد ازدواج آسان پس از ازدواج هم زوج‌های خود را رها نمی‌کند. به این ترتیب، علاوه بر مشاوره بعد از ازدواج، این مجموعه زوجین را در خرید سیستمی یا مشکلات بزرگ شخصی به‌خصوص کمبودهای مالی همراهی می‌کند.

قالب کارگروه تشریفات است. در این بخش، همه ظرفیت‌های محلی‌ای که برای مراسم ازدواج و آغاز زندگی مشترک لازم هستند شناسایی شده‌اند تا در امر ازدواج آسان با مجموعه همراهی کنند. در این قسمت، زوج‌ها به مراکز شیرینی‌فروشی، گل‌فروشی، مزون لباس عروس و... معرفی می‌شوند تا خدمات را با پایین‌ترین قیمت ممکن دریافت کنند.

کمک به حل مشکلاتی مالی در قالب قرض الحسنه از دیگر اقدامات مهم ستاد ازدواج آسان محله راه‌آهن است. در این راستا صندوق قرض الحسنه امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup>

«ستاد ازدواج آسان» در سال ۱۳۹۵ توسط بانوان فعال در حوزه امور خیریه مربوط به ازدواج در محله راه‌آهن با مدیریت حمیده پایرنج آغاز به کار کرد. این مجموعه از دورهم جمع کردن ظرفیت‌های محلی تشکیل شد و در ابتدای کار برای انجام امور مربوط به ازدواج جوانان، ۱۰ کارگروه تعریف شد. این مجموعه با فعالیت‌های مختلف تلاش دارد شعار خود را که «ازدواج آگاهانه، به‌هنگام و آسان» است تحقق بخشد. خانم پایرنج می‌گوید: برای شروع فعالیت ستاد ازدواج آسان محله راه‌آهن، کارگروه واسطه‌گری شروع به شناسایی جوانان با شرایط ازدواج کرد. حاصل این شناسایی و واسطه‌گری تاکنون منجر به ثبت ۴ هزار ازدواج آسان در سطح محله و شهر و حتی کشور شده است.

تشویق به ازدواج، یکی دیگر از کارگروه‌های فعال این ستاد است. در این کارگروه زوج‌هایی که سه اصل مهریه کم، جشن ساده و فرزندآوری را رعایت کنند بعد از مدت کوتاهی با حمایت این مجموعه و تقدیم هدایایی مورد تشویق قرار می‌گیرند. تاکنون ۷۶ زوج در این کارگروه مورد تقدیر قرار گرفته‌اند. مدیر این مجموعه ادامه می‌دهد: تهیه جهیزیه یکی دیگر از

آشنایی  
۳۰ آبان ۱۴۰۱  
۲۶ ربيع الثاني ۱۴۴۴  
شماره ۲۸۱۵

(۳)

# نمی‌توانم مع

مطهره جاویدی، مادر دهه هفتادی، این روزها استارت



هر کسی یک جور مادر می‌شود

مطهره خانم و مهدی آقا بعد از تأیید به چنان‌ها می‌روند. از آنجا هم به مشهد برمی‌گردند. شرایط اقتصادی‌شان خوب نیست. در این زمان، او دیگر درسش را رها کرده است. حالا بیشتر به خانه‌داری و تحصیل در حوزه علمیه می‌پردازد اما تصمیم می‌گیرد فرزند دومش، راحیل، را از بین دخترانی انتخاب کند که نیازمند حمایت پزشکی هستند. بنابراین از طریق مهندس امید عابدشاهی که عنوان «پدر کودکان نیازمند درمان» را بر دوش دارد فرزندش را انتخاب می‌کند. در همین حین تلاش می‌کند نگاه جامعه را به کسانی که فرزندخوانده دارند تغییر دهد و به پرسش‌هایشان پاسخ دهد. مطهره خانم درباره بیماری فرزند دومش علاقه‌ای به صحبت ندارد و پاسخی نمی‌دهد اما سال‌های اول سعی کرده است به برخی پرسش‌های ناراحت‌کننده اطرافیان درباره فرزندانش پاسخ دهد. «الان شرایط خیلی خوب است. تقریباً همه اطرافیان کوثر و راحیل را فرزندان ما می‌دانند اما اوایل ناچار بودم توضیحاتی بدهم. بر اساس روان‌شناسی روز دنیا، بچه‌ها قبل از اینکه وارد اجتماع یعنی مدرسه و مهد کودک شوند، باید بدانند از مادر دیگری متولد شده‌اند و من آن‌ها را در جریان واقعیت گذاشته‌ام. حتی اگر روزی بزرگ‌تر شدند و دلشان خواست پدر و مادر قبلی‌شان را پیدا کنند، خودم در کنارشان هستم. اصلاً این درست نیست که یک نفر ده‌ها سال حقیقت را ندارد.» آقا مهدی و مطهره خانم پدر و مادر کوثر و راحیل هستند و از هیچ تلاشی برای خوشبختی‌شان تا امروز کوتاه نیامده‌اند. استعداد بچه‌ها را شناسایی کردند و مطمئن هستند می‌توانند حتی فرزند دیگری را هم به زندگی‌شان اضافه کنند. مطهره جاویدی معتقد است شجاعت، عشق و آگاهی لازمه قبول کردن چنین زندگی‌ای است و افراد اگر چنین تصمیمی دارند نباید از سر احساسات جلو بروند.

زندگی در شهر مرزی تأیید و شروع مادرانگی

مطهره تربیت و خانه‌داری را از مادرش و محاسبات اقتصادی را از پدرش می‌آموزد. به همین دلیل، خودش معتقد است که شبیه بچه‌های دهه شصتی تربیت شده و رفتار می‌کند. در دانشگاه آیت‌الله می‌خواند و بعد از ازدواج تصمیم می‌گیرد به حوزه علمیه هم برود. اما همراهی با همسرش برای کار در تأیید و چنان‌ها باعث می‌شود درسش نیمه تمام باقی بماند. «ما به علت کار همسر به تأیید رفتیم. شهر بسیار امن و خوبی بود. در آنجا مجبور به انصراف از دانشگاه شدم چون رشته تحصیلی‌ام را نداشتند. البته خودم هم آن چیزی را که می‌خواستم در آن رشته پیدا نکردم. در دانشگاه چیزهای قدیمی تدریس می‌شد. کلاس‌های بیرون بسیار پیشرفته‌تر از چیزی بود که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شد.» اما این شهر برای آن‌ها یک همسفر به همراه دارد و باعث می‌شود یک تغییر بزرگ در زندگی‌شان را شاهد باشند. «من همیشه عاشق بچه بودم. حتی اسم هم برایشان انتخاب کردم. قبل از ازدواج دوست داشتم چهار فرزند داشته باشم. با این حال، صاحب فرزند نمی‌شدیم. یک سال و نیم از زندگی مشترک گذشته بود و من تصمیم خودم را گرفتم. اصلاً با فرزندخواندگی مشکلی نداشتم. این را به همسر هم گفتم. بنابراین یک روز خودم به مرکز بهزیستی تأیید رفتم و برگه درخواست فرزندخواندگی را در سال ۹۳ امضا کردم. یک سال بعد، دخترم کوثر را از مرکز شیرخوارگان حضرت علی اصغر<sup>(ع)</sup> تحویل گرفتیم.»

پیدا کردنش کار سختی نیست در گوشه گوشه فضای مجازی ردی از خودش باقی گذاشته است. زندگی منحصر به فردی دارد. کافی



است یک نفر او و خانواده‌اش را دیده باشد تا همیشه یادش باشد این مادر دهه هفتادی و دغدغه‌مند می‌کوشد بسیاری از تابوها را بشکند و زندگی‌اش را طور دیگری بسازد. اگرچه خیلی‌ها مطهره جاویدی را به نام مادر استارت‌آپی می‌شناسند اما او قبل از همه این‌ها امتحانش را برای پذیرش مسئولیت و تغییر در روال همیشگی زندگی گذرانده است. دختری که در کنار همسر و دو فرزندش زیست متفاوتی از مادرانگی را ترویج می‌کند و می‌کوشد تابوهای کارآفرینی را بشکند و به زبان نوجوانان و جوانان حرف بزند.



ازدواج در هفده سالگی و شروع زندگی

پذیرش زندگی برای مطهره هفده ساله با مهدی بزرگ‌تر که آن زمان با دست خالی محصل حوزه علمیه است مرحله‌ای است که او با فکر و مشورت می‌گذراند. اگرچه خانواده معتقد بودند هنوز وقت برای ازدواج هست و آن دو در روز خواستگاری با پیش فرض پاسخ منفی وارد گفت‌وگو با یکدیگر می‌شوند اما همه محاسباتشان منفی می‌شود و شباهت زیادی بین یکدیگر پیدا می‌کنند. مطهره و مهدی تصمیم می‌گیرند با دست خالی در کنار هم زندگی را شروع کنند. «زندگی را با دست خالی شروع کردیم و خودمان همه چیز را ساختیم. هنوز هم موتوری را که با آن این طرف و آن طرف می‌رفتیم داریم. حتی زمانی که کارم را شروع کردم مسافت مشهد تا تهران را برای جلسات و همایش‌ها با اتوبوس طی می‌کردم. بنابراین می‌توانم ادعا کنم زندگی را آجر به آجر از همان هفده سالگی در کنار هم ساختیم.»

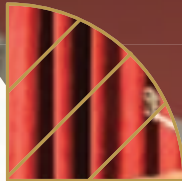


۲شنبه  
۳۰ آبان ۱۴۰۱  
۲۴ ربیع الثانی ۱۴۴۴  
شماره ۳۸۱۵

(۴)

# طل زمان بمانم

آپ کارآفرینی برای نوجوانان و بانوان را مدیریت می کند



## زیرزمین خانه پدری اولین مکان برای شروع کار

مطهره خانم همیشه عاشق پژوهش بوده است. بنابراین تصمیم می گیرد یک استارت آپ راه اندازی کند. بنابراین همراه با دوستانش از اتاق خانه و سپس زیرزمین خانه پدری شروع به پژوهش در حوزه کارآفرینی نوجوان می کند. «من آی تی را قبل از رفتن به تایباد کنار گذاشتم و سال ۹۵ حوزه علمیه را تمام کردم و با تمام توان برای تغییر رشته تلاش کردم. عاشق رشته فلسفه شده بودم. چون می دانستم ما یک پیشینه قدیمی در حوزه فلسفه داریم و من هم عاشق رشته های عمیق و تحلیلی بودم، وارد رشته فلسفه غرب در دانشگاه فردوسی مشهد شدم. رتبه ۹ فلسفه دین و رتبه ۴۵ فلسفه غرب را در مقطع کارشناسی ارشد آوردم. از طرفی، همیشه دوست داشتم یک مدرسه یا آکادمی داشته باشم و به بچه ها چیزهای به درد بخور یاد بدهم تا خیلی زودتر به کارآفرینی برسند. خودم ابتدا در دانشگاه آی تی خواندم و بعد آن را برای همیشه کنار گذاشتم. می دانم که بچه های ما با چه بحرانی در انتخاب رشته و مسیر آینده روبه رو هستند و نیازمندند کارآفرینی را از کودکی به آن ها بیاموزیم. در سال ۱۳۹۷ با لیگ ملی دانشگاه فردوسی آشنا شدم و به عنوان ایده پرداز در آنجا شرکت کردم. تنها فینالیست در علوم انسانی بودم. آن زمان طرح مدرسه ابتدایی فلسفه و هنر ارائه داده بودم. سال ۹۸ مدیرکل اجرایی لیگ نوآوری در سطح استان شدم و تغییرات اساسی رخ داد. من قبلاً هم با دنیای استارت آپ آشنا بودم ولی آنجا بود که عملاً وارد آن شدم. ابتدا اسم مجموعه مان را «نواک» گذاشتیم اما بعد از مدتی متوجه شدیم یک گروه موسیقی همانام ماست و دیگران مدام ما را با آن ها اشتباه می گیرند. بنابراین تغییر برند دادیم و کایاک را ثبت کردیم.

## کایاک چیست و قرار است دقیقاً چه کاری انجام دهد

این مادر دهه هفتادی و کنجکاو همیشه به دنبال خلاقیت و ایجاد نوآوری در زندگی اش بوده است و معتقد است ما باید فرزندانمان را برای آینده ای و مشاغل نو آماده کنیم. «ایده کایاک آموزش کارآفرینی به وسیله تجربه گر بودن در کنار استعدادسنجی عملی است. کایاک به بچه ها کمک می کند گمشده خود را پیدا کنند. در واقع، می خواستیم جایی را پیدا کنیم که بچه ها با کیفیت و قیمت مناسب بتوانند همان تجربیاتی را که ما تا سی سالگی انجام دادیم تا دوران دبیرستان انجام بدهند. بچه ها با کایاک شناختشان درباره خودشان بیشتر می شود و حضور یک متخصص در کنارشان، به رشد و پیدا کردن راهشان کمک می کند. در روند تست کردن، به این نتیجه رسیدیم که باید این فرایند تجربه گر بودن برای کل کشور و بعد برای صادرات قابل استفاده باشد. ما به سراغ محصولات فیزیکی رفتیم، بسته ای که وسایل یک کسب و کار داخل آن بود. آموزش ها، کارت های تعاملی و آموزش های مجازی و بعد از آن استعدادسنجی به آن اضافه شد. در کنارش کلاس آنلاین هم می گذاشتیم.»

مطهره جاویدی با فضای مجازی آشناست و بلد است تبلیغ کار خودش را انجام دهد. می داند که باید کار را به صورت تیم حرفه ای پیش ببرد. بنابراین خیلی زود موفق می شود.

## «استقلال بانو» برنامه ای رایگان برای آموزش بانوان

استقلال بانو هر دو هفته یکبار برای بانوان ۲۰ تا ۳۵ سال برگزار می شود. در آن، آموزش رایگان کسب و کار در زمینه کارآفرینی و مسائل خانوادگی و اجتماعی و هر چیزی که نیاز یک دختر یا بانو باشد انجام می شود.

خانم جاویدی در زمینه کار و فعالیت صرفاً نگاه به جامعه دختران و بانوان ندارد و من به آموزش همگانی تأکید دارم. بنابراین کودکان و نوجوان سیزده تا جوانان سی سال را برای آموزش در نظر دارد. می گوید:

برگزاری کلاس پایین ترین سطحی است که ما انجام می دهیم. برگزاری اردوهای مختلف کارآفرینی مانند سینما کارآفرینی یا کمپ ها در بستر اهداف ماست. ۲۰ درصد بچه ها شناسایی می شوند و تلاش می کنیم تا ایده هایشان را به سرانجام برسانیم. ما خودمان سرمایه گذاری نمی کنیم اما می کوشیم آن ها را به سرمایه گذار وصل کنیم یا بچه ها را به کارآموزی می فرستیم. مجمع اقتصاد می گوید ۶۰ درصد مشاغل در زندگی فعلی را نمی شناسم و ما به دنبال این هستیم که استعدادها و نوآوری را پیدا کنیم.



## مادرانگی در کنار کار

خانم مطهره جاویدی که تجربه مادرانگی متفاوتی دارد می داند مسیری که انتخاب کرده است چندان راحت نیست و اگر کمک های اطرافیان به ویژه مادرش نباشد، به مشکل خواهد خورد. از طرفی، می گوید در نبود من در خانه قطعاً همسر هم جهاد می کند و ما باید در فرهنگ و اجتماع این را آموزش دهیم که نمی توان از یک زن توقع موفقیت داشت ولی در کنارش نایستاد. «همیشه به کسانی که می خواهند کسب و کار راه اندازی کنند، اگر متأهل یا دارای فرزند باشند، توصیه می کنم رنج مضاعف برای خودشان تولید نکنند. یعنی به یک توان خیلی زیاد نیاز داریم تا بتوانیم مادر، همسر، و فرزند و هم مدیر یک شرکت باشیم. احساس می کنم توانایی انجام هم زمان این کارها را دارم. با این حال، مدیریت کار، خانه و فرزند، همگی، یک توان بالا می خواهد. اطرافیان قطعاً من را درک می کنند و به من کمک می کنند. من هم معطل زمان نمی مانم و برنامه ها را پیش می برم، اگرچه بارها ممکن بوده است زمین بخورم.»

START UP!

شهربانو

آشنایی  
۱۴۰۱ آبان  
۲۶ ربيع الثاني ۱۴۴۴  
شماره ۳۸۱۵

(۵)

## بهترین را نصیبش کن

مادر محمد حسین مرادی از خاطرات فرزند شهیدش می گوید



محمد حسین مرادی از شهدای مدافع حرم است که آبان ۱۳۹۲ در چندمتری حرم حضرت زینب کبری (س) هدف گلوله تکفیری ها قرار گرفت و به شهادت رسید.

مادر این شهید درباره پسرش می گوید: پسرم ابتدای دهه شصت به دنیا آمد. نامش را از یک شهید گرفت و با عشق و یاد شهدا زندگی کرد. عاقبت خودش نیز به شهادت رسید. وقتی محمد حسین را باردار بودم، ماجرای هفتم تیر و شهادت بهشتی و یارانش پیش آمد. همان زمان، همسر به من پیشنهاد کرد اگر نوزادمان پسر بود، نامش را به یاد شهید بهشتی محمد حسین بگذاریم.

این پسر عشق عجیبی به اهل بیت (ع) داشت. در هیئت ها و مراسم مذهبی خادمی می کرد و غذا می پخت اما وقتی کمی از این غذا را به خودش می دادند، حین راه همان را هم به مستمندی می داد. همین دل پاک و ارادتش به اهل بیت (ع) بود که او را به مقام شهادت رساند.

وقتی محمد حسین به سوره ی رفت و در دفاع از حرم مجروح شد، دوستانش چیزی از این موضوع به ما نگفتند. ایام محرم بود. من به روضه رفته بودم که به یاد محمد حسین افتادم. از خدا خواستم محافظ او در آن کشور غریب باشد اما بعد پیش خودم فکر کردم اگر پسر را دوست دارم، باید بهترین ها را برایش بخواهم.

با اینکه مادر نمی تواند حتی کوچک ترین آسیبی را در وجود فرزندش ببیند به خدا گفتم: محمد حسین عاشق شهادت است. من هم می دانم که شهادت بهترین چیزی است که می شود نصیب عزیزم شود. پس خدایا، بهترین را نصیب او کن. یکی دو روز بعد از آن اتفاق، پسرم به شهادت رسید.

نگاره

## فضایی برای اندیشیدن و ارائه راهکار

بانوان در مجمع (محیا) به نحوه و حضور زنان در عرصه های اجتماعی می پردازند



لیلا جاننباریان



مجمع احیا تفکرات انقلاب اسلامی بانوان (محیا) با تکیه بر عنصر زن و حضور او در عرصه های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مرتبط با اندیشه های حضرت امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب گامی در جهت سازمان دهی همه فعالیت ها و برنامه ها در راستای تفکرات انقلاب اسلامی به منظور پاسخ گویی به نحوه و چگونگی حضور زنان در عرصه های اجتماعی بنا نهاده شد. زینب اصغریان

مسئول مجموعه محیا که دانشجوی دکتری علوم سیاسی و پژوهشگر حوزه روابط بین الملل است می گوید: ما با جمعی از دغدغه مندان به مسئله زن و حضور او در عرصه های اجتماعی می پردازیم و انتظار داریم تا نهادهای مرتبط با این موضوع هم در برنامه های مجمع همکاری کنند و این مسئله به گفتمانی فراگیر مبدل شود و منجر به باز یابی هویت اجتماعی زن مسلمان ایرانی شود.

تبیین نگاه انقلاب اسلامی بر حضور زنان در اجتماع و نقش آفرینی آنان، طرح روزآمد حضور بانوان در عرصه های اجتماعی با توجه به عنصر زمان و مکان، ترویج فرهنگ صحیح حضور زنان در اجتماع به عنوان یک الگوی فرهنگی ممتاز (الگوی سوم زن)، فراهم سازی انس بیشتر بانوان با مضامین عالی انقلاب اسلامی در زمینه حضور ایشان در عرصه های اجتماعی بدون خدشه به مقام و جایگاه مادری و همسری ایشان، معرفی بانوان تراز انقلاب اسلامی از مهم ترین دغدغه های مجمع محیاست.

اصغریان می گوید: تدوین و اجرای برنامه های میان مدت و بلند مدت ترویجی و تبلیغی، مطالعاتی و آموزشی در زمینه اندیشه های اصیل اسلامی، برقراری ارتباط با نخبگان، انجام فعالیت های آموزش عمومی و تخصصی در گام دوم انقلاب و همچنین شناسایی مشکلات و ارائه راهکارها برای رفع موانع موجود در مسیر فعالیت های اجتماعی بانوان در راستای احیای تفکرات انقلاب اسلامی در همین راستاست.



شهربانو

۲۷ شهریور  
۳۰ آبان ۱۴۰۱  
۲۶ ربيع الثاني ۱۴۴۴  
شماره ۳۸۱۵

(۶)

## به دنبال ایجاد اشتغال برای دختران مهاجر

زهرا حسینی این روزها تلاش دارد برای اشتغال و کار به دختران کمک کند و می توان او را در صفحات مجازی «قالینه شاپ» دنبال کرد

نگاره



لیلا کوچک زاده



بازگشت سرمایه وجود دارد. از طرفی، شغلی مناسب برای خانم ها بود تا در خانه و در کنار فرزندانشان مشغول به کار باشند و کمک خرج خانواده.

یکی از سازمان های مردم نهاد برای طرح برگزیده او، تعدادی دار آهنی قالی و خورجین و وسایل کار در اختیارش می گذارد و بی بی زهرا دارها را بین دختران و مادران ۲۵ خانه تقسیم می کند، از خانه های رسالت تا فارمد.

او می گوید: صنایع دستی افغانستان عالی هستند اما این هنرچندان دیده نمی شود و کسی قدرش را نمی داند. حالا زهرا خانم به دنبال ایجاد امید بین زنان مهاجر است.

بی بی زهرا هم زمان با آموزش خورجین بافی و قالی بافی به بانوان، به کلاس های کسب و کار هم می رود و مدرک مربیگری می گیرد و آموزش های کسب و کار را به بانوان محله قرقی که بیشترشان جزو خانواده های مهاجر هستند منتقل می کند. می گوید: هدفم این بود که خانم ها آنچه رایگان آموخته اند به یک نفر دیگر هم آموزش بدهند. خانم های این منطقه به شدت به انگیزه نیاز دارند. آن ها وقتی دچار مشکل کوچکی می شوند، افسردگی سراغشان می آید.

اما طرح کسب و کارش برگزیده می شود، طرحی که باید دخل و خرجش به هم بخورد. پیشنهاد او همان خورجین بافی است. می گوید: می دانستم در این طرح،

بی بی زهرا حسینی یکی از دختران زاده ایران است که پدر و مادرش حدود ۳۸ سال پیش از افغانستان راهی کشور ما می شوند. حالا این دختر در بیست و پنج سالگی و در شرایط دشوار و بدست خالی، آستین همت بالا زده و برای بانوان مهاجر و حتی ایرانی که گرفتاری هایی شبیه خودش دارند، با آموزش قالی بافی و خورجین بافی، درآمد ایجاد کرده است.

زهرا در کنار ایجاد اشتغال، در حال راه اندازی یک سایت برای ارائه تابلوفرش ها و تبلیغات است، سایتی که نامش را «قالینه خم آستانه» انتخاب کرده است. به گفته او «قالینه» در زبان پشتو به معنی فرش است و «خم آستانه» نیز نام روستایی در ولایت بامیان که پدرش آنجا متولد شده است. می گوید: در نه سالگی به همراه خانواده ام به افغانستان رفتم. هرات و کابل و بامیان را هم دیده ام اما افغانستان را برای سفر دوست دارم. نمی توانم از مشهد دل بکنم. دوستانم، کارم و همه عشق و زندگی ام اینجا است. من به امید آدمهای خوبی هستم که دور و برم هستند و در کنارشان زندگی می کنم. زندگی فراز و نشیب های زیادی دارد. درست مثل نوار قلبی است که اگر ضربان نداشته باشد، خط صاف می شود و همه چیز از بین می رود. این بالا و پایین های زندگی باید باشد. پدر زهرا در حادثه ای دچار مشکل نخاعی می شود و او با وجود نمرات خوب قادر به ادامه تحصیل در رشته روزنامه نگاری که به آن علاقه داشته است نیست. با این حال، از خیریه ای وام دریافت می کند و با خرید چند دار قالی، شروع به کار می کند.



## حتی اگر به آخر خط هم رسیده‌ای...



## شهربانو

۲۳ شنبه  
۳۰ آبان ۱۴۰۱  
۲۶ ربیع الثانی ۱۴۴۴  
شماره ۳۸۱۵

(۷)

دوباره چشمانت را می‌بندی و دستت را می‌گذاری روی مرزی ترین نقطه وجودت. یک حس گمشده آهسته شروع می‌کند به جوانه زدن. سلام می‌کنی. چشمت مست تماشای گنبد طلا می‌شود. بو می‌کشی تا ریه‌هایت پر شود از عطر حضور نگاه مهربان امام رضا(ع) و احساس تازگی اندیشه‌های خسته‌ات را فرامی‌گیری. زیر لب زمزمه می‌کنی: یا ضامن آهو، یا غریب الغریب، حواست به من هست؟ قدم می‌زنی. نگاه‌های آشنایی را می‌بینی که همه زل زده‌اند به آفتاب، خورشید ایران‌زمین، امام رضای مهربان، شمس‌الشموس، انیس‌النفوس، سریع‌الرضا، امام رضای جان، آقایی که از هر نقطه‌ای که از ته دل صدایش بزنی نگاهت می‌کند، چه برسد اینجا در صحن و سرایش که حتما مورد عنایت ایشان قرار می‌گیری. گوش فرامی‌دهی به صحبت دخترکانی که با دل خوشی، خواهش و خواسته از نگاهشان می‌بارد، به مادرانی که نگاه پرا التماسشان حاجت‌های قلبی‌شان را فریاد می‌زند، به مادر بزرگانی که با آه و اشک و حسرت، نگاه به جای جای این صحن و سرا می‌چرخانند و دلشان می‌خواهد بنشینند و تماشا کنند تا آنجا که می‌توانند و من هستم و نفس‌هایی که در این نقطه از زمین، در تکه‌ای از بهشت، در ریه‌هایم پر و خالی می‌شود. چه کسی می‌داند اینجا هر کسی چه لذتی می‌برد؟ من، دختری که اشک و غم و شادی و آرامش خود را همیشه و همیشه با سلطان خراسان تقسیم کرده است، مشکلاتم را خواهش کرده و شادی‌هایم را شریک شده و تشکر کرده‌ام، دختری که نفس‌هایی را که می‌کشد از برکت وجود امام مهربانی‌ها دارد. تا دختر نباشی، تا جنست از جنس زن بودن نباشد، نمی‌توانی حمایت‌های پدرگونه امام‌رضاجان را درک کنی. باید حتما زن بود تا فهمید چقدر به دست حمایت پدر نیاز داری در هر سن و هر شرایطی که باشی، پدری که نگاه پر از مهرش را از حضور زائران رنگارنگ حرمش می‌شود فهمید. اینجا پوشش و فکر و سلیقه هیچ معنایی ندارد. قومیت و ملیت اهمیتی ندارد. اینجا منزل امام جان، امام رضای مهربان، است. اینجا میعادگاه عشق است، عشقی پاک و خالص از جنس نور. «حتی اگر به آخر خط هم رسیده‌ای/ اینجا برای عشق شروعی مجدد است»

## از کوچه‌های سبز تا خیابان‌های پر از کلمه

تیم



عاطفه رنگامیز توسی

اغلب هفته‌ها در صفحه مجازی‌اش عکس‌ها و فیلم‌های زیبایی از یک روستای سرسبز و خوش آب‌وهوا منتشر می‌کند و گوشه و کنارش می‌نویسد: ولایت پدری. هر زمان هم در جلسات شعر مشهد شعری می‌خواند، می‌توانی خودت را در همان کوچه‌های سبز و آرامش‌بخش پیدا کنی. نه به علت آنکه شعرهایش انعکاس فضای روستایی و مضامین مرتبط با آن هستند بلکه به این علت که صراحت لهجه و صمیمیت و شور روستازادی در تک‌تک ابیات آن شعرها نهفته است که مخصوص خود عطیه انتظام، این شاعر خوب و پرکار خراسانی، است، شاعری که همواره در تلاش است فضاهای به‌روز و شهری و مدرن را با حفظ اصالت و پای‌بندی به شعر کلاسیک در شعرش تجربه کند. خانم عطیه انتظام متولد ۱۳۶۰ است. غزل سرای موفقی است و رباعی‌ها و چهارپاره‌های زیادی سروده است. چند وقت پیش پایین یک ویدئو که از روستای زادگاهش منتشر کرده بود نوشتیم: اینجا کجاست؟ در پاسخ برایم نوشت: فریزی. خودش می‌گوید: آشنایی من با شعر در سنین پایین با ترانه‌های محلی و دوبیتی‌هایی که مادرم هنگام کارهای منزل می‌خواند اتفاق افتاد. هم‌زمان با رفتن به مدرسه و یادگرفتن حروف الفبا، خواندن کتاب‌های شعر کودکان را شروع کردم و در یازده سالگی اولین غزل را سرودم. در سراسر دوران تحصیلم در کنار درس به مطالعه در زمینه ادبیات ادامه دادم به طوری که در دوران راهنمایی، خمسه نظامی، دیوان حافظ، غزلیات سعدی، اشعار وحشی بافقی و بسیاری دیگر از شاعران متقدم و متأخر را خواندم و بسیاری از اشعار ایشان را در حافظه ثبت کردم. در کنار شعر، به ادبیات داستانی هم علاقه بسیاری داشتم و دارم و رمان‌های زیادی از نویسندگان داخلی و خارجی خوانده‌ام. در هجده سالگی و قبل از پایان دوره دبیرستان ازدواج کردم و مادر دو فرزند هستم. دخترم دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی مشهد است و پسر من در مقطع متوسطه اول تحصیل می‌کند. تنها تجربه شعر کودکم مجموعه ترانه‌های کودکانه‌ای است به نام «اسم من یاسمین» که سال ۸۳ برای دخترم سرودم. علاقه‌مندی من در شعر بیشتر غزل و چهارپاره است اما رباعی و شعر سپید را هم تجربه کرده‌ام. همه تلاشم این بوده است که با زبان شعر مسائل روز جامعه مخصوصاً مسائل زنان را بیان کنم اما شعر عاشقانه و آیینی هم سروده‌ام. یکی از مهم‌ترین دلایلی که همه این سال‌ها توانسته‌ام در کنار وظیفه مادری و همسری به شعر ادامه دهم همراهی و حمایت همسری مهربان است که مشوق من بوده و از هیچ کمکی فروگذار نکرده است. ضمن آرزوی موفقیت روزافزون برای این شاعر توانمند و خوش‌آئینه مشهدی، با هم سری می‌زنیم به شعرش.



در سایه الطاف شما آهویم  
شادم که همیشه یا رضا می‌گویم  
هرگاه گره به کار من می‌افتد  
از پنجره فولاد مدد می‌جویم

دلگیرم و دلتنگم و دل‌باخته‌ام  
عمری ست که با خوب و بدت ساخته‌ام  
یکباره بساز کار من را ای عشق  
شمشیر بکش من سپر انداخته‌ام

## پاسخ به پرسش‌های حقوقی بانوان

در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا به شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره پیامک ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

**+** مهریه باید چه مشخصاتی داشته باشد آیا می‌توان هر مالی را به عنوان مهریه تعیین کرد؟ همین‌طور امکان دارد که اعضای بدن شخص را به عنوان مهریه تعیین شود؟

اولین ویژگی مهریه قابل قبول مالیت داشتن آن است یعنی دارای ارزش اقتصادی و قابلیت داد و ستد داشته باشد، بنابراین یکی از دلایلی که قرار دادن مهریه‌هایی مانند اعضای بدن زوج، یک کیلو بال مگس و مواردی از این قبیل دارای اثر حقوقی نیست و قابل مطالبه نمی‌باشد، این است که به لحاظ عرفی دارای ارزش اقتصادی و قابل داد و ستد نیستند. به بیان دیگر خرید و فروش آن‌ها در عرف جامعه معمول و رایج نیست و کسی هم حاضر نیست بابت دریافت آن پول پرداخت کند؛ بنابراین حتی اگر بپذیریم که اعضای بدن انسان مالیت دارند، قابلیت داد و ستد ندارند همچنین با توجه به اینکه یکی دیگر از ویژگی‌های مهریه قابل قبول این است که باید دارای نفع عقلانی و شرعی باشد، از این‌رو

قرار دادن مهریه‌هایی از این قبیل که دارای منفعت عقلانی و شرعی نیستند، صحیح نیست. به بیان دیگر مهریه باید به گونه‌ای باشد که عقلاً جامعه و شرع و قانون آن را دارای منفعت بدانند.

**+** پزشک زنان با تشخیص اشتباه باعث سقط جنین شده است چگونه می‌توانم این مسئله را ثابت و شکایتم را پیگیری کنم؟

این مسئله یکی از عناوین شکایت کیفری در خصوص قصورات پزشکی می‌باشد، در صورت طرح شکواییه تشخیص با متخصصین در همان حوزه خواهد بود که نظریه خود را جهت درج در پرونده برای باز پرس و قاضی پرونده ارسال می‌کنند تا بر اساس آن رای صادر شود.

**+** من مادر فرزندی ۹ ماهه هستم که در یک شرکت حمل و نقل

شهرآرا



زهرا شوشتری  
کارشناس حقوق

در بخش خصوصی کار می‌کنم کار فرما با استفاده از مرخصی ساعت شیردهی مخالفت کرده است لطفا راهنمایی کنید چطور این مسئله حل می‌شود.

مطابق قانون اداره کار می‌توان از طریق ثبت دادخواست در اداره کار این موضوع را پیگیری کرد.



## پروین اعتصامی، نخستین کتابدار زن



ریحانه عامل نیک  
کارشناس الهیات

بدون شک اکنون برای هیچ‌یک از ما حضور زنان در بسیاری از مشاغل عجیب نیست. به همین علت، زمانی که به فهرست اولین‌ها به‌ویژه در میان زنان نگاه می‌کنیم، خیلی از کارها بدیهی به نظر می‌رسند. این در حالی است که آن شخص در زمان خود کاری خلاف جریان انجام داده و از دیگران متمایز رفتار کرده است. پروین اعتصامی، شاعر معاصر ایرانی، هم یکی از همین افراد است. او دختر یوسف اعتصامی آشتیانی، نویسنده و مترجم، است که ۲۵ اسفند ۱۲۸۵ متولد شد. نام او در زمان کودکی رخشنده بود و بعدها تصمیم گرفت آن را به پروین تغییر دهد.

او از کودکی فراگیری زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی را نزد پدرش آغاز کرد. هم‌چنین از محضر افرادی چون دهخدا و ملک‌الشعرا بهار بهره برد. گفته می‌شود پدر پروین ذوق شاعری را در او کشف کرد و در این راه مشوقش بود. با وجود این، تا پیش از ازدواج دخترش اجازه انتشار کتاب اشعارش را به او نداد. پروین ۱۹ تیرماه ۱۳۱۳ با مردی نظامی ازدواج کرد و تنها بعد از یک سال جدا شد. پس از آن به فکر چاپ کتاب اشعارش افتاد. بر اساس آنچه در گزارش‌ها آمده است، چاپ کتاب پروین اعتصامی با استقبال روبه‌رو شد و باعث شد او که پیش از این زنی منزوی و گوشه‌گیر بود وارد اجتماع شود تا آنجا که به عنوان کتابدار در دانشسرای عالی مشغول به کار شد. به همین علت، پروین اعتصامی را نخستین زن کتابدار ایرانی می‌دانند. نظم و ترتیبش در کار مثال‌زدنی و مورد توجه دانشجویان و استادان بود، هرچند بعد از ۹ ماه تصمیم گرفت به خلوتش بازگردد و کتابداری را رها کرد. پروین اعتصامی ۱۵ فروردین ۱۳۲۰ به سبب بیماری حصبه در سی و چهار سالگی درگذشت. بعد از فوتش، مجلسی در بزرگداشت او برگزار نشد زیرا پروین نشان درجه ۳ لیاقت دربار را رد کرده بود و حکومت دل خوشی از او نداشت. با سقوط رضاشاه، دوستان پروین در فروردین ۱۳۲۱ با برپایی مجلسی یاد او را گرامی داشتند. پروین اعتصامی در حرم فاطمه معصومه<sup>(س)</sup> در قم در آرامگاه خانوادگی اش به خاک سپرده شد.

## تلفیق شعر و داستان در یک کتاب زنانه

نویسنده در زمان «گذر» تلاش کرده است زندگی را تغییر دهد و بسازد

«گذر» نوشته نفیسه مرادی رمانی متشکل از ۹ فصل است که دو شخصیت اصلی آن را فرانک و مهشاد تشکیل می‌دهند. فرانک که راوی رمان است، دانشجوی جوانی است که علاقه او به شخصیت میرزاده عشقی او را به استادش، مهشاد فاموری، نزدیکی می‌کند و میان آن دو رابطه دوستی شکل می‌گیرد. در ادامه این رمان، مهشاد می‌میرد، جسدش در وان حمام خانه‌اش پیدا می‌شود و فرانک در پی مرگ ناگهانی مهشاد، خود را مقصر می‌داند. او تلاش می‌کند به چربی و چگونگی مرگ مهشاد پی ببرد و در پی کشف ناگفته‌هایی است که فکر می‌کند می‌تواند دلیل مرگ او را در آن‌ها بیابد. در این مسیر، پرده از رازهایی در زندگی مهشاد برداشته می‌شود. فرانک در این جست‌وجو یادداشت‌های مهشاد درباره زندگی خود استفاده می‌کند. با یکی از دوستان او نیز صحبت می‌کند و به کمک یادآوری خاطراتش، سعی می‌کند قطعات پازل زندگی مهشاد را کنار هم بچیند. شروع رمان می‌تواند از بخش‌های سخت نوشتن برای نویسنده باشد زیرا باید چندین وظیفه معرفی شخصیت اصلی و فضای کلی، زمان و مکان و طرح اولیه مسئله اصلی را داشته باشد. همین‌طور، مانند چنگکی به ذهن خواننده و مخاطبانش چنگ بی‌اندازد و آن‌ها را همراه متن تا آخر رمان بکشد. رمان «گذر» با یک کاپوس آغاز می‌شود و نویسنده به کمک این کاپوس، همان ابتدا استرس و ترس ناشی از یک مرگ ناپهنگام را برای خواننده فضا سازی می‌کند. «با صدایی مهیب از جا پریدم. صدا از در پشتی بود که هیچ آشنایی آنجا رفت‌وآمد نمی‌کرد. یک نفر پشت هم با مشت به در می‌کوبید. با وحشت پله‌ها را دو تا یکی کردم. تمام طول حیات و بعد دهلیز تاریک و نمور را دویدم. باد غوغا می‌کرد و در و پنجره‌های باز را به هم می‌کوبید. نفس نفس می‌دم. تمام بدنم از ترس داغ شده بود.»

«گذر» روایت زنی است که در سال‌های پایانی دهه هشتاد شمسی زندگی می‌کند، حکایتی که با گذشته پیوندی محکم دارد و تلاش زنان جوان تحصیل کرده برای گذر از گذشته و رهایی از آوارهای آن را به همراه دارد. نفیسه مرادی با بهره‌گیری از تسلطی که بر تاریخ و ادبیات معاصر دارد توانسته است چالش‌های دو شخصیت اصلی رمان را که دو زن هستند، قدم به قدم تا پایان رمان و کشف راز و رمزهایی از گذشته این زنان پیش ببرد. او توانسته است پیوندی درون‌متنی میان وضعیت معاصر شخصیت‌های روایتش و برهه‌هایی از تاریخ ادبیات معاصر که به‌ویژه در قامت میرزاده عشقی متجلی شده است برقرار کند. پیوند میان شعر و داستان و هم‌چنین میان شخصیت‌های رمان با شخصیت‌های تاریخ و ادبیات معاصر، این رمان را برای خواننده علاقه‌مند به تاریخ و ادبیات معاصر ایران خواندنی‌تر کرده است.

«گذر» نوشته نفیسه مرادی است که توسط از سوی نیماژ در اواخر سال ۱۴۰۰ در ۱۶۴ صفحه منتشر شده است. نفیسه مرادی، شاعر و داستان‌نویس ایرانی، متولد سال ۱۳۶۲ است که دانش‌آموخته مهندسی برق و دکتری ادبیات فارسی است. او سال ۱۳۹۲ مجموعه شعر «لبخندی که سهم من نبود» را منتشر کرد که مورد استقبال اهالی فن و مخاطبان قرار گرفت. «گذر» نخستین رمان منتشرشده او به شمار می‌رود.



گذر

• نویسنده: نفیسه مرادی

## شهربانو

۲۳ شهریور  
۳۰ آبان ۱۴۰۱  
۲۶ ربیع الثانی ۱۴۴۴  
شماره ۳۸۱۵

(۸)

ضمیمه روزنامه شهرآرا  
صاحب امتیاز:  
شهرداری مشهد  
مدیرمسئول:  
سیدمیتهم موسوی مهر  
سرمدیر:  
سید سجاد طلوع هاشمی  
دبیرضمانت:  
ارژنگ حاتمی  
دبیرضمیمه:  
حمیده وحیدی

## بازارچه‌ای زنانه با تولیدات خانگی



هرچند شور و شوق و رونق بازارچه محله‌ای که خرید و فروش در آن دل فروشندگان را شاد و آن‌ها را از خرید مردم راضی می‌کند این روزها به دلایل مختلف اقتصادی کم‌رنگ شده است اما بانوان خلاق و کارآفرین مشهدی هم‌چنان به امید روزی حلال، محصولات خود را به بازار می‌آورند تا برای آن‌ها مشتری بیابند و کسب‌وکار خود را رونق دهند. یکی از این بازارچه‌ها بازارچه خوداشتغالی بانوان بود که به همت مؤسسه توسعه سلامت به‌تازگی در کنار ایستگاه متروی

در محدوده پارک ملت ادامه خواهد داشت انواع مواد خوراکی، شیرینی‌های سنتی، ترشیجات، سبزیجات، منسوجات و ... با قیمت مناسب و بدون واسطه از تولیدکننده به دست مصرف‌کننده می‌رسد.

سعدی برگزار شد. این مجموعه با هدف حمایت از بانوان کارآفرین و به نفع کودکان کار و ایتم فعالیت می‌کند و بازارچه اخیر صدودهمین فعالیت فرهنگی و اقتصادی این مجموعه بود. در این بازارچه که به‌زودی